



۲۰۲۰/۰۹/۰۶



خلیل اسیر

نقض گام به گام تعهدات؛ آیا غنی متن توافقنامه را نخوانده است؟

دیشب خبری در فیسبوک با مختصر تبصره ای وارد به قلم دانشمند داکتر سید عبدالله کاظم نشر گردید که از دید این اداره خاصاً در این برهه زمانی دارای اهمیت خاص بوده که بایست عمیقاً در مورد توجه نمود. اینک خدمت خوانندگان بدون از تصرفات در موضوع تقدیم میشود:

Said Abdullah Kazem

این مقاله را بخوانید تا بدانید که چگونه اشرف غنی با امضای توافقنامه مبنی بر تشکیل حکومت مشارکتی هم قبر خود را به حیث رئیس جمهور بدست خود کند و هم قبر قانون اساسی و آینده کشور را و هرگز فکر نکرد که عواقب آن توافقنامه "هشت رخ نو گرد" افغانستان را به کجا خواهد برد، جائیکه برگشت از آن بسیار دشوار و حتی ناممکن خواهد بود، زیرا این توافقنامه معنی مرگ قانون و نظم در کشور را میدهد. این مطلبی بود که این قلم قبل از امضای آن بارها آنرا بیان داشته است و اما گوش شنوا نبود و دو دلال شر با رفت و آمدهای خود بین ارگ و سپیدار این بازی خطیر را به میان آوردند و دلال بزرگ شر خلیل زاد با وارد کردن فشار بر اشرف غنی آنرا به منصفه اجراء گذاشت!

خلیل اسیر

۱۱ سنبله , ۱۳۹۹

محمد اشرف غنی، رئیس جمهور

مبنای مشارکت غنی و عبدالله در قدرت سیاسی و تشکیل حکومت جدید، توافقنامه سیاسی ۲۸ ثور است که بین دو طرف در قصر دلگشا منعقد شد. این توافقنامه که مانع روی کار آمدن دو شاه در یک اقلیم شد، دایره اختیارات غنی را به عنوان رئیس جمهور محدود کرده است.

با انعقاد و انفاذ توافق نامه سیاسی، بخشی از ماده‌های قانون اساسی قسماً تعلیق شده است. ماده ۶۴ قانونی اساسی یکی از این ماده ها است. در این ماده صلاحیت‌های ریاست جمهوری در ۲۱ بند توضیح داده شده است. اما توافق نامه سیاسی، صلاحیت رئیس جمهور در بند یازدهم این ماده را محدود کرده است.

بند یازدهم ماده ۶۴ قانون اساسی به رئیس جمهور صلاحیت داده است تا وزراء، لوی سارنوال، رئیس بانک مرکزی، رئیس عمومی امنیت ملی و رئیس سره میاشت را با تأیید مجلس نماینده‌گان تعیین کند. صلاحیت عزل و تأیید استعفای آنها نیز به رئیس جمهور داده شده است. اما جزء دوم بند چهارم توافق نامه سیاسی، صلاحیت تعیین وزراء را علی السویه بین غنی و عبدالله تقسیم کرده است. در جزء دوم بند چهارم این توافق نامه آمده است

که تعیین پنجاه درصد اعضای کابینه به شمول وزارتخانه‌های کلیدی و همچنان عزل و قبول استعفای آن‌ها در صلاحیت عبدالله است. (نقل با مضمون). به این ترتیب، صلاحیت مصرح رییس جمهور در قانون اساسی به حکم این بند توافق نامه نافذ محدود شده است و غنی قادر به اعمال کامل صلاحیت‌هایش در خصوص تعیین وزرا نیست.

غنی و عبدالله در ۲۸ ثور توافق نامه سیاسی امضا کردند

همچنان، والی‌ها پیش از این از سوی اداره مستقل ارگان‌های محلی به ریاست جمهوری پیشنهاد می‌شدند و پس از منظوری ریاست جمهوری به کار آغاز می‌کردند. اما با اجرایی شدن توافق نامه سیاسی، صلاحیت اداره مستقل ارگان‌های محل در امر پیشنهاد والی‌ها و صلاحیت تأیید و یا رد آن‌ها از سوی رییس جمهور نیز به رضایت عبدالله محدود شده است. در جز سوم بند چهارم توافق نامه سیاسی آمده است که «والیان ولایات بر اساس یک قاعده مورد توافق دو جانب (غنی و عبدالله) معرفی می‌شوند.» هرچند تا کنون این قاعده روشن نشده است، اما مشخص است که غنی صلاحیت تعیین تمام والی‌ها را بدون توافق با عبدالله ندارد.

جزء سوم بند چهارم توافق نامه سیاسی ۲۸ ثور، محل مناقشه بین کمپ‌های سیاسی غنی و عبدالله است. بستگان سیاسی عبدالله نسبت به گمارش والی‌ها در شماری از ولایات از جمله بغلان، سمنگان و کنر از سوی غنی اعتراض دارند. آنها خواستار گمارش والی‌ها در این ولایات از کمپ سیاسی عبدالله هستند و ارگ را به نقض توافق نامه سیاسی متهم می‌کنند. این مناقشه تا کنون پا بر جا است.

نزاع غنی و عبدالله بر سر اجرای جزء دوم این بند ظاهراً پایان یافته است. دو طرف تا کنون ۲۱ نامزد وزیر کابینه را معرفی کرده اند که ده تن آن‌ها متعلق به سپیدار هستند. سرنوشت نامزد وزیر اقتصاد که در دوره حکومت وحدت ملی به عبدالله تعلق داشت، تا کنون روشن نیست. سرنوشت وزارت فواید عامه هم در هاله ابهام است. احتمال دارد این وزارت با وزارت‌های ترانسپورت، اداره هوانوردی ملکی، اداره خط آهن و ریاست ترافیک مدغم شود. فرمان ادغام آن را قبلاً رییس جمهور صادر کرده بود و اما بعدتر این فرمان به دلیل شیوع کرونا و موضوع تعدیل بودجه به تعلیق درآمد. به همین دلیل دو طرف تا کنون سرنوشت این دو وزارت را مشخص نکرده‌اند.

پیش از این غنی با نامزد وزرای جناح عبدالله مخالفت داشت. ارگ گفته بود که شماری از این نامزد وزرا واجد شرایط کار در کابینه نیستند. به دلیل همین مخالفت، کار معرفی رسمی اعضای کابینه دچار تأخیر شده بود. این در حالی است که مطابق توافق نامه سیاسی، غنی از حق وتو در برابر نامزد وزرای عبدالله برخوردار نیست. اما مخالفت او با این نامزد وزرا چیزی جز برخورد سیاسی و سلیقه ای در کار تشکیل کابینه جدید تفسیر نمی‌شود.

شورای عالی دولت

شورای عالی دولت در بند نخست توافق نامه سیاسی، نهادی تعریف شده است که کارویژه آن تنها دادن «مشورت» در باره «مسائل مهم ملی» به رییس جمهور است. این شورا می‌باید متشکل از «رهبران سیاسی و شخصیت‌های ملی» باشد. هدف از ایجاد شورای عالی دولت، تأمین اجماع سیاسی در سطح کشور عنوان شده است. اعضای آن باید از «پروتکل خاص دولتی» برخوردار باشند و «تدابیر لازم امنیتی» نیز برای محافظت از آنها روی دست گرفته شود.

رییس جمهور غنی در فرمان هشتم سنبله خود در پیوند به تشکیل «شورای عالی مصالحه ملی»، اعضای «شورای عالی دولت» را نیز معرفی کرده است. طبق این فرمان، امرالله صالح و سرور دانش معاونین ریاست جمهوری، محمدحنیف اتمر وزیر امور خارجه، حمدالله محب مشاور امنیت ملی، فضل هادی مسلمیار رییس مجلس سنا، میررحمان رحمانی رییس مجلس نمایندگان، الماس زاهد و جوره طاهری مشاوران ارشد ریاست جمهوری و وزیر دولت در امور صلح اعضای شورای عالی دولت معرفی شده اند. به این ترتیب، غنی با معرفی این افراد به عنوان اعضای شورای عالی دولت، گام بعدی خود را به صورت آشکار در زمینه نقض توافق نامه برداشته است. درست است که در بند نخست توافق نامه، «رهبران سیاسی» و «شخصیت‌های ملی» تعریف و مشخص نشده‌اند، اما روحیه توافق نامه سیاسی طوری است که باید اعضای شورای عالی دولت از بین چهره‌های سیاسی و ملی بیرون از حکومت گزینش شوند. وظیفه ای که برای این شورا در متن توافق نامه تعریف شده است، نیز تأکید بر غیرحکومتی بودن این شورا دارد. رییس جمهور اما بدون مطالعه و ملاحظه توافق نامه، بیشتر کسانی را که عضو این شورا تعیین کرده است، سمت رسمی در حکومت دارند و وفادار به شخص خود او هستند.

فرمان غنی در باره تشکیل شورای عالی مصالحه ملی نیز ناقض توافق نامه سیاسی است. در هیچ جایی از این توافق نامه به رییس جمهور غنی صلاحیت تشکیل این شورا اعطا نشده است. طبق توافق نامه، غنی تنها صلاحیت دادن «مشورت» به عبدالله را در خصوص تشکیل این شورا دارد. در بند دوم توافق نامه سیاسی آمده است که رییس شورای عالی مصالحه ملی در مشورت با رییس جمهور، طرف‌ها و رهبران سیاسی، روسای هر دو مجلس، جامعه مدنی و نخبگان کشور، این شورا را تشکیل می‌کند. از این رو، تشکیل این شورا از صلاحیت‌های انحصاری عبدالله است و فرمان هشتم سنبله غنی در این زمینه ناقض صریح این بند از توافق نامه سیاسی است. از جانب دیگر، در توافق نامه سیاسی، برای شورای عالی مصالحه ملی تنها پنج معاون در نظر گرفته شده است. در فرمان غنی اما این رقم به هفت معاون افزایش یافته است. در بند دوم توافق نامه، دو معاون این شورا که شامل عنایت‌الله بابر فرمند و اسدالله سعادت می‌شود، مشخص شده‌اند، اما سه معاون دیگر آن باید با مشورت دو طرف تعیین شود. هنوز روشن نیست که شمار معاونین شورای عالی مصالحه ملی چرا خلاف توافق نامه از پنج نفر به هفت نفر افزایش یافته است. همچنان روشن نیست که این افزایش کار غنی بوده است یا کار عبدالله و یا با تفاهم هر دو. اما در هر سه حالت نقض توافق نامه سیاسی تلقی می‌شود.

واکنش سران بعضی از احزاب و چهره‌های سیاسی در پیوند به تشکیل شورای عالی مصالحه ملی و شورای عالی دولت نیز قابل توجه است. حامد کرزی، گلبدین حکمتیار و صلاح‌الدین ربانی عضویت خود در شورای عالی مصالحه ملی را بر حسب فرمان ریاست جمهوری نپذیرفته‌اند. البته حکمتیار و ربانی پیش از این گفته‌اند که توافق نامه سیاسی منعقد ۲۸ ثور را هم به رسمیت نمی‌شناسند. کرزی که از میانجیگران اصلی بین غنی و عبدالله بود و از معماران حکومت جدید به شمار میرود، از این توافق نامه استقبال کرده است. با این وصف، انگیزه اصلی او از تصمیم اخیرش به درستی روشن نیست. اما گمان می‌شود که او علاقه مند عضویت در شورای عالی دولت بوده است که غنی با فرمان خود این جایگاه را برایش نداده است. شاید به همین دلیل، نخواستار عضویت شورای عالی مصالحه ملی را هم بپذیرد.

با توجه به موارد فوق به نظر می‌رسد که محمداشرف غنی در جایگاه رییس جمهور از همان آغاز تصمیم داشته است تا توافق نامه سیاسی را به شکلی از اشکال دور بزند. او گام به گام به نقض این توافق نامه مبادرت ورزیده است. گام اول و دوم او با تعیین والی‌ها و نامزد وزیران کابینه برداشته شد. غایله معرفی نامزد وزیران فعلا فروکش کرده است. معرفی والی‌ها اما هنوز محل نزاع بین ارگ و سپیدار است و ممکن است دامنه آن به ماه‌های آینده هم کشیده شود. گام سوم غنی در نقض توافق نامه، صدور فرمانی است که او در خصوص تشکیل «شورای عالی مصالحه ملی» صادر کرده است. این فرمان در حالی که خلاف توافق نامه است، بند نخست این توافق نامه را نیز نقض کرده است؛ بند شورای عالی دولت. با اضافه نقض این بند، غنی تا کنون چهار گام به صورت آشکار برای دور زدن توافق نامه سیاسی برداشته است.

نقض گام به گام توافق نامه سیاسی چند مشکل جدی غنی را بر آفتاب می‌کند. مشکل نخست آن است که غنی به تعهدات خود در برابر جامعه سیاسی و شریک قدرتش وفادار نیست و هر گونه خدعه را برای انحصار قدرت مجاز می‌داند. مشکل دوم آن است که غنی به عنوان طرف توافق نامه از محتوای آن کاملاً آگاه نیست و اگر آگاه هم هست، دیگران را جاهل این توافق نامه فرض کرده است. مشکل سوم آن است که او تنها به مشورت کسانی گوش می‌دهد که حقه بازی را بهترین شیوه سیاستورزی می‌دانند و تصور می‌کنند که بازی با کارت باطل به پیروزی می‌رسد. اما واقعیت این است که جامعه سیاسی افغانستان با توجه به وضعیت جاری بیش از هر زمانی شکننده است و دور زدن توافقات می‌تواند آسیب جبران ناپذیری به آن وارد کند. به رغم تحمیل توافق نامه ماه ثور بر زندهگی سیاسی و سرنوشت اجتماعی مردم، انتظار مردم اما رعایت مفاد آن از سوی سران هر دو کمپ سیاسی شریک در قدرت است. بدیهی است که اگر مفاد این توافق نامه رعایت نشود و جدال هر دو کمپ بر سر مفاد آن کشاله دار شود، تصمیم متفاوتی از سوی مردم اتخاذ خواهد شد. این تصمیم در شرایطی که گروه طالبان خود را فاتح جنگ می‌پندارد و به کمتر از انحصار قدرت راضی نیست، می‌تواند آینده غم‌انگیزی را برای افغانستان رقم بزند. بهتر است پیش از آنکه مردم، ناامیدتر شوند و از روی ناگزیری تصمیم دیگری اتخاذ کنند، غنی و عبدالله هر دو به متن توافق نامه برگردند و مطابق آن اداره مملکت را تا تعیین سرنوشت آینده کشور در نتیجه صلح با طالبان، دنبال کنند. این کمترین کاری است که توقع می‌رود هم ارگ و هم سپیدار بی‌کم و کاست انجام دهند.

پایان